

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

نامتلفاتی

کوشان

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۴

شنبه ۲۴ دی ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

حایلی که بین دولت و ملت است باید برداشته شود

روز بروز بروخامت اوضاع افزوده میشود. هر ساعت از پس برده، صحنه ای نمایان میگردد که مدنی تماشای بیان این تأثر منحوس و بیچارگی را بخود مشغول میدارد.

باز بگردان آن با مهارت نامرئی میگویند که با برده اغفال چشم بصیرت ناظرین را پوشانیده و از این سرکه گردالی خود حواصت شومی بوجود آورده که چون تماشای مشغول نبود آید وقت رفتن و کار از کار گذشته باشد.

دستهای حجب و طریب در کار است. عده ای لباس تنوی پوشیده گروهی پلیس وطن پرستی مابس و عده ای با هور و جنجال وظیفه سرگرم کردن ملت را بعهده دارند همه در کار خود استادند و هر یک بفرخور ولی سخته عهده دارند پاداشی در یافت میکنند.

همه وظیفه دارند که بهترین وجه ملت را بخود مشغول دارند تا مبادا از خواب غفلت و از سرگرمی تأثر بیدار و منوجه شده و منظور حقیقی را دریابد، منظور حقیقی که بدبختی او را شالوده و پنهان است.

بارها گفتیم و دیگران هم گفته ولی اثری نبخشیده گفتیم مردم، برادران یا دوستی از اتحاد و صمیمیت گردد هم آید، اوضاع مملکت خود داشته های شوم را که برای نمای شایع طرح شده و میشود در نظر بگیرد و با آن مبارزه کند. ولی کسی نشاید. با همان فکر در پیش منشی و یا با خیال فرنگی ما می یکی با توکل بخدا و دیگری با شاه بالا انداختن، خوانند و غنچه بندند. شاید باز هم بخواهند و بخندند ولی باز ما منویسیم و تکرار میکنیم و باز هم میکنیم: روز گسار ما تیره شده، مشکلات ما افزون شده، نقشه های شوم طرح های خود را نمایان ساخته و برای نا بود ما کرمیت و جدیت بسته شده.

اینروزها زمره اسارت مابگوش میرسد آنها را یک جمعی بیان شان منکی بودیم ما پیشنهاد میکنند که از طبقه خاطر سده بندگی و بردگی خویش را امانا بکنیم.

سیاست استتار آن روش دیرینه اولیای مملکتی، همچنان مرسوم و مند اول است و همه چیز از نظر ملت پوشیده و هر کسی که گوشه نگی در دست دارند تمام ملت بظاهر بیکند و عهد و پیمان می بندد ولی ملت بیچاره و غنی واقف میشود که کار از کار گذشته.

مجلسیان برای حفظ منافع خود به زد و بند مشغولند، دولتی را از آریا بحیثیل کرده و میکنند که سازا اکثریت آنها من رقعد و همه جا، در هر کار نام ملت و سبیل پیشرفت عقاید آنهاست. هر جا هر چه تنگ میشود ملت شش هزار ساله با رخ دنیا کشیده میشود، هر جا میخواهند سرمایه را خیره ببالند ما را تعجب میخوانند.

ولی این ملت شش هزار ساله و این ملت نجیب با شرف و تاریخی و تعابت در هیچ کاری نباید مداخله داشته باشد و اگر انجیانا خواست صحبتی بکند باید بقوه قهریه، با فشار و بازور سر نیزه پایمال شود تا دیگر یاری سخن گفتن نداشته باشند و عزیزان بر چه همچنان مرگب خود - مضاری را بتازند.

هفته گذشته از کبسون سه جایی صحبت بود ما، ما ملت ایران ما که باید بدانیم بیه گرداب قاتلی را اعضای میشود از طرف بوجود آمدن از برنامه اش و از همه چیزش، می هر بودیم، خیر اوضاع خود را از راد بوهای بیگانه میشدیم و آن ها هم که مطلب را آنطور بینگه موافق منافع خود بود بیان میکردند ما میبایست گوش بآواز باشیم به بینم فلان راد بوی بیگانه در باره ما چه خواهد گفت و میبایست گوش بدعیم تا مطلع شویم که در فلان ناطقه مملکت ما چه غیر است ولی اولیای ما، زمامداران مملکت ما همه چیز را از ما پنهان میکردند مثل اینکه واقعا ما در این مملکت غریبه ایم و اطلاع یافتن از اوضاع مملکت خود برای ما پیچیده با مضر است.

کیست سکه بجهان خود علاقتد نیاشد؛ کیست که برادر و فرزندان خود را دوست نداشته باشد؛ آیا بکنفر خارجی بکنفر اجنبی از ما برای خود ما دلبرزد تراست اگر بخود اطمینان نداشته باشیم

چگونه ممکن است دیگران معطنش شویم. اگر ما نتوانیم خوب و بد خود را تشخیص دهیم و نخواهیم بینافع خود علاقتد باشیم و نخواهیم بسلکت خود و به استقلال آن با بند باشیم آیا میتوانیم و حق داریم توقع داشته باشیم دیگران بحال ما دلسو تر بوده و صرفه و صلاح ما را بر منافع خود مقدم بشمارند.

دول دوست و همنفق هر قدر هم دوست ما باشند، هر قدر هم صمیمی و همنفق ما باشند باندازه ما برای ما دلسوئی ندارند.

اگر آنها برای رفاه حال ما پیشنهادی میدهند و میخواهند با اجرای آن سربازی را از دوش ما بردارند بهتر این است که ما بدان واقف باشیم تا اولا از ایشان قدر دانی کنیم و تشکر نماییم.

اگر پیشنهاد آنها بحال ما مضر است باز هم لازم است ما بدانیم که از آن دفاع کنیم با آن مبارزه نماییم تا بر ما چیز های نا روا تحمیل نکنند.

مطلب هر قدر روشن تر باشد و هر قدر بیشتر در اطراف آن بحث شود تعینت بیشتر نمایان میگردد. با تمام بردیاری مردم تلهم نیستند خوب و بد را از هم تشخیص میدهند.

اگر ترس دولت از این بود که قرار دادن پیشنهاد کبسون سه جایی در معرض افکار عمومی باعث دادر فریاد مردم و مورد حمله جراید واقع شود این ترس جایز نبود زیرا این داد و بیداد و حمله با بعضی است یا بناحق اگر بحق بود دولت پشتیبان فوئربانته قدرت مقاومت بیشتر پیدا میکرد اگر هم بناحق بود که قطعاً آن ها بیکدیگر جبهه حمله میکردند مورد حمله متقابل دست دیگر که خواهان حقیقت بودند واقع میشدند و بالتیمه مردم، منظور واقعی را در می یافتند و هر اقدامی که دولت میشوند و با اتکاد با اکثریت ملت انجام میشد اینکه دولت یا مجلس تصمیسی در رد و یا قبول پیشنهاد مورد بحث بگیرند نظر ملت نیست زیرا از اول شروع این مجلس مردم فریاد کردند که این نمایندگان اکثریت تحمیلی و سرباز هستند و دولت دست نشانده آنها حالش معلوم است بنا بر این نه مجلس و نه دولت هیچ کدام صرف واقعی مات ایران نیست اگر چند ضرر یا کدمن در میان آنها در مجلس یا دولت یافت خود در همه حال کافی برای معرفی ملت ایران نیست زیرا اگر در بیک موضوع توفیق حاصل ناید در ۹۹ مرتبه در اقلیت خواهند بود.

سیاست استتار دولت از بکنطرف، ماسحه و تمثال و محافظه کاری و ذبران از طرف دیگر باعث شده که با کاری مفید انجام نشود یا اگر انجام میشود بقدری بطی و آهسته باشد که انجام نداشتن بهتر از انجام شدن باشد.

اصرار دولت در برده پوشی حقایق و در آشکار نبودن - اوضاع بقدری است که هر کسی را بدین منشاء و مردم تصور می کنند هر کسی که میخواهد زمام امور را در دست گیرد قصد وطن - فروشی دارد. بقیه در صفحه ۸

بفلم م. ک.

ایران در هفته گذشته

هفته گذشته برده شده و آشوبی بود که شاید در تاریخ حیات سیاسی ایران نظیر آن را کمتر میتوان یافت خواننده گرامی بخاطر دارنده که موضوع ایران در کنفرانس وزرای خارجه سه دولت که در مسکو تشکیل شد با اینکه جزو دستور قرار گرفته بود ولی راجع بان توافق نظر کامل حاصل نگردیده.

۱- یک سفرای کبار آمریکای انگلیس در تهران متفا بدولت پیشنهاد نودمانه که با تشکیل کمیسیون سه جاسی مرکب از نمایندگان دول اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان و آمریکا موافقت نماید و ضمناً وظیفه این کمیسیون را بر طبق موارد بارده کابهای که ذیلا بنویس از آنها ذکر میشود تعیین نموده بودند بدیقرار.

ماده ۱ - سه در تجدید استقرار اوضاع و رعایت عناصر مختلفه اهالی و حفظ روابط دوستانه با سایر ممالک.

ماده ۲ - اجرای قوانین مشروطه را مراقبت کند.

ماده ۳ - کمیسیون نویسیه عالی در باب استعمال زبان های اقلیت از قبیل عربی، ترکی، کردی و غیره خواهد کرد.

ماده ۴ - کمیسیون یا دولت ایران مشاوره خواهد کرد.

ماده ۵ - سه دولت مساهمی کامل بکار خواهند برد که دولت ایران را متقاضی سازند نویسیه عالی که از طرف سه دولت پسند آید بصورت قانونی در آورده.

چون اختیار اینکه بر طبق عواد بازده گاه برای این کمیسیون پیش بینی شده بود یا استعمال کشور مفادیت داشت و احساسات ملی افراد وطنپرست را جریحه

دار میبایست از انتشار آن انعکاس غیر قابل و معنی در کلیه محافل سیاسی و میان عموم طبقات بشنید و یا مخالفت شدید افکار عمومی مواجه گردیده.

از استماع این اخبار هر شونده با ایامی بی اختیار بیاد دوره مجبور عظمت و اقتدار باستانی ایران افتاده حس مبین بر سر تو وغرور ملی او تحریث و بیدار میشد و با وجود دل پر غول که افراد ملت سالها از سوه تشکیلات دولت داشتند همینکه پای استعمال کشور بیان آمد گذشت را نادیده گرفت و برای حفظ استقلال کشور بسیار زه پرداختند و با این عمل بار دیگر رشد سیاسی و لیاقت شو بشری برای داشتن استقلال بیوت و ظهور و سادیدند و بالاخره دولت نیز بر سر آمده با نمایندگان ملی و استماع سخن های آنان و بد توجه سادع عمومی آن پیشنهادت را پذیرفت و ۳ هیئت وزیر دارائی در جنبه ۵ شنبه بیستم دیماه در جواب یکی از آقایان نمایندگان موده عدم موافقت دولت را با این پیشنهادت بسع امت ایران رسانیدند و آقای دکتر مصدق نیز در طی نامه از دولت خواستار شده اند که اقدام خود که در این صورت موضوع ایران در جامعه ملل متفق مطرح گردد.

دیگر از مسائلی که هفته گذشته در محافل سیاسی تهران از آن گفتگو شده و میشود موضوع سه بد معنی است که آقای نامرغلی اردلان در جلسه اخیر مجلس بدان اشاره نموده اند.

و موضوع معاکه سرریب در عشاقی فرماده یادگان تیریز است که بد مکر آنها تسلیم بد یا توجه با مدول و مقررات ارتش یا معاکه ایشان بد موافقت دارا و جمعی یا استناد بگفته های آقای وزیر جنگ در مجلس میتوان «جنگ گیری از برادر کشی» با آن مخالفند.

از سندج

شکایت

آقای مدیر محترم نامه ملی کوهستان اینجانبان عباس اسکندری و حسین اسکندری ساکنین سندج راجع بیک قدمت از ملک دهنده گرضاش ملک موروثی که برخلاف شریعت و مقررات قانون آقاسیان حبیبی های سندجی تصرف خاصانه نموده اند ، قریب ۲۸ سال متوالی بدادگانه درخواست داده ایم . پس از طی چندین مرحله و معاکه ها مدت دوسال میباشد مجدداً پرونده ای که حاکیست ماها را بیان نمینماید از پژوهش استان پنجم بر ای رسیدگی و صدور حکم به شنبه ۳ دادگاه تهران احاله شده است . چورو کیل آقاسیان حبیبی ها آقای حبیب معیط میباشد تمویق و تجدید جاست در این مدت از اقدامات رسیدگی به پروا نتیجه حاصل شده و نیز در مدت این چند سال گاهی بتوقیر کبری و گاهی بتوقیر صفری پرونده در حال وقفه ای مانده و تیر ماه سال گذشته چون اشعار تعیین وقت باز هم ابلاغ شده بود خود بنده با هزاران زحمت تهران آمده آقای شایسته و قاروروحانی سر جو کیل ۱۹۹۱ دادگستری را بویکات خود اشعار کرده آقای معیط بعضی اطلاع از قضای تجدید جلسه نمود حال باداشتن دو نفر وکیل نامبرده باز پرونده در حال وقفه است .

ادامه این وضع خاندان بر افکن باعث شده که به آن مدیر محترم پناه نمانده شده که با درج شکایت ما در آیه نامه ملی توجه جناب آقای وزیر دادگستری را معذوف داشته که بشعبه ۳ دادگاه تهران دستور صادر فرمایند که بیش از این تمویق را شایسته ندانسته پرونده امر از حال تمویق خارج نمایند . عباس اسکندری - حسین اسکندری

چاپخانه کشاورزی تلخین ۴۷۸۷

دیگر از اخبار کشور به مقدمات تشکیل دولت که از طرف وزارت جنگ است که قانون مشروطه آن از تصویب مجلس گذشت و بدعه همایونی نیز شرح گردیده و گویا وزارت جنگ ضمن بحثنامه صادره متولذین ۱۳۰۰ را احضار کرده است و نیز بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیئت وزیران مقرر گردیده شهرستان گروس که تاکنون جزء استان چهارم بوده از آن مجزا و از این سید نعت نظر وزارت کشور اداره شود بهلاوه طبق تصویبنامه دیگر هوارش جدید شهرداری تعیین شده.

دیگر از اوضاع هفته گذشته که مورد توجه است موضوع استعفای دولت است که مورد بحث است و بقرار آخرین اطلاع آقای توأم السلطنه تا اکنون پنجاه و یک وی موافق دارند و شانس ایشان برای نجات وزیری از هه بیشتر است.

قدرت پیشروی راه خود ندید و دانست که اشتباه است آری باشباه خود واقف گردید و دانست این چشمو «سرزمین» است که ایمان فکرفتنه بیاد بالاخره از خیال خود منصرف و مجبور به مراجعت گردید تصادفا درین راه بروی بلای برخورد رونه پیشرفت و گذشت ای پادشاه جاوران ترا در مانده می بینم شام و حوش راجه رسیده که چنین گردانامیدی بر رخساره اش نشسته اگر منظورت تنها تعجیر کردن کاروان است باشد که ترا بنده شوم و فدو انجام چنین خدمت نازبا بی گمر بنده گیت بر بندهم غیر با تبحر گشت این عمل خطبه و نثر تو آسان است! رویه گفت تو چه می خواهی تو «کالاک خوری یا بیسان رنی»

رویه محیل و مزور نقشه خوبی طرح کرده بود از شیر خدا حافظی سکردو برای انجام منظورش بطرف چراگاه رفت همینکه چابکاه دوران رسید باقیانه مقاومتی که در پس آن دام ترور خود را گسترده بود با آنها مواجه شد خواستند بایک ضرب شاخ بچایش خانه دهنده ولی روپاه باعجز و لاپه گفت: من نجسری پاکدل و نیکو نهادم می خواهم در سابق خدمتگزاری بزرگانی چون شما زندگی آرام و راحتی داشته باشم آنقدر هم چشم حفاظت من نگر بد چه تو کرم دین و وفاداری چون من بیاد نادر است و من قول میدهم که وجود حقیرم برای از ایها هم منشاء اثرات بزرگی خواهد بود کاران بنام مشورت کردند که ویرا بیندگی خود پذیرد از دسالی او آگاه نبودند یا خود گفتمند از این حیوان ضعیف و مردوسی بیشک هیچگونه ضرری مترتب نیست روپاه ایامی چند بجان و دل بخدمت پرداخت دروای بالبخندی مز. راه بار باسپاهی خود در آورده گمت خداوند کاران من غافل به کان آنچه شایسته عظمت و بزرگی و مایه روانه و آسایش است بشما کرامت فرموده همه بیوز پنحو کیل در دسترستان هست و خلاصه از

بفلم آقای ع. شجاع اردلان دانشجوی حقوق اتماس از جمله کردی «دلگی کیتی تازه»

زندگی می خواهی؟ فریب مخور!

بیسوای مادران، هرگز نمیتوان آنها را از تصایح خود متذکر زندان خود باز دارد آنان بازای ساد و ملی و نتر وظیفه خود را تک انجام میدهند آری سفان شان چون از قالب پاک و بی آلاش سرچشمه میگردند نشسته لاجرم بر دل و در نهاد فرزندان شان بشایر اعدون میشود ولی با جان هم بدر نیگرده این دانه نر است که مادران ما بمنظور ایجاد وحدت و اتفاق برای مرزندان خود نقل میکنند:

چهار کار بودند چراگاه آنها مرغزاری که از حیث طراوت و ذریای بی نظیر بود آبی بس گوارا و هوای بسیار سازگار آب و هوای این ناحیه را تشکیل می داد گاوان چیز مرغزاری را وسیله تنویر نیروی جسمانی خود قرار داده بودند هر درنده ای که آنها را مطمح نظر قرار میداد آنان در سایه افغان شیروی شکاری و اتحاد دشمن مشترک را از پای دو میاور درنده قضا و روزی شیروی بد آنها حمله آورد بر عادت معمول بالاتفاق بوی هجوم آوردند شیر خواست بانمره سسگین خود آنها را مرعوب سازد ولی آنان بی بی نبودند که از چنین بادی بلرزه در آینه با ضربات شاخ شیر را از هم در برنده آری با زهم اتفاق کار خود را کرد و موقعیت را نصیب شان نمود مدتها نگذشت این چهار گاو در این مرغزار بر نعمت هر روزه جانی و جانم میشدند و هر آن بر عظمت و قدرت خود میافزودند باز شیر دیگری در آن حوالی از وجودشان آگاه شد بخیالت طعمه خوبی پیشکش افتاده بطرف آنها آمد همینکه از دور عظمت آن ها را دید

بناهای مهندس گودرزی تیریزی
بمناسبت انجمن ملل متفق در لندن

دنیا در هفته پیش

«دنیای باسازیم که در آن»
«حقوق تمام افسراد بشر»
«ملاحظه و تاملن گردد»
«روزولت»

آیا گذشته با آینده ارتباط دارد؟

اگر بیست سال قبل برگردیم و آن
سیاسی آنرا (۱۹۱۹) و امروز (۱۹۴۶)
را سبک و سبکین کرده و دو هیر واقعی
و موکار گردان حقیقی ملاحظه کنیم
سیاستدار کینه جو و خشکین را با
(ویا پاولو میخائیلوویچ مولوتوف) کبیر
آدام و متین زیر مبروک سبک تضاد
سیاسی قرار دهیم و فرانسه گرس و غس
از جنگ بیرون روزه و مظهر آمار روز را
در دو کفه ترازو بگذاریم و نتیجه بیستم
آزادی و دموکراسی نجات داده
شده و پایدار خواهد بود و
خیال خام مطلق العالی،
سیاست موازنه سیاست اهری ثنوق
بری محو و هر چه زود تر در
زیر بنای جاودان و خیره کننده
آزادی برای همیشه سد فلون
خواهد شد

وقایع سیاسی و قضایی روشن و -
ملوم بخصوص در این چند روزه اخیر بنا
نایب نبود که بعضی افکار ایدئولوژی و مفهوم
بیست سال پیش فعلا از قاموس سیاسی
حذف و لیروی من و آزادی بر هر چه تفرق
پیدا شده و از همه چیز برتر مهندس تر
است.

این نیت پیش و کم پس ز
چنگ گذشته هم بود اما مدمون ترو
و کناره گیری دولت شوروی از جامعه ملل
زاج و اسیازی های سیاسی با خصوصیت
های دول بزرگ پشت پا باین (ایده مقدس)
رد و تنظیم قراردادهای ناجوانر دانه
نظیر عهد نامه ورسای آلت برنده و فاطمی
بدست انراد بهانه جو و عناصر خود سر
و بازیگران ناشی نظیر «سرجوخه هیتلر»
دادنا بیان ها و منشورهای صلح جهانی را
مجاله و دور بندازند.

اما دنیای امروز، جهان امروز و
دنیای فردا، دنیایی که پس از آن همه
غسارت و معروفیت جانوس بروی خرابه
های بشریت بنیان استوار گردیده بیستم
چگونه خواهد بود؟
روزهای خوش

«اگر ملل دنیا نخواهند همه
باهم در جنگ بپیوندند باید فن
زندگی کردن باهم در حال صلح
را فرا گیرند»
لازمه دانستن چنین فنی این است
که فقر، استعمار، استثمار، سیاست بازی

زورگویی، سوءظن، تردید و جهل «مومخ
ها» و «عدم مذاخله ها» از این برود
و خشنا کلبه ملل آزاد بخصوص پنج دولت
بزرگ شوروی، آمریکا، چین، فرانسه و
بریتانیا «صیبا» و سادفانه با هم همکاری
نوده و دنیای آزاد و آباد برپا و همکاری
متقابل و صیبا خود را همه وقت ادامه
دهند و با استقرار پایه های این جهان
سعادتمند و آزاد یاری کنند

درجهانی که راسل منشور (آتلانتیک)
و (پالتا) و (دیسارتن آکس) بدین نحو
و بر اساس تساری حقوق و همکاری لایه
ملل آزاد بنا شود.

روزهای خوش و روحانوار

برای توده های آزاد جهان و
محافل آزاد پخواه وجود خواهد
داشت و در آن جهان «انجمن سان
فرانسسکو» و «انجمن لندن»
که باید در و از دنیای سعادت مند
و صلح جو باشد بنا یان شوم و نحسی
نظیر «جاءه ژوان» جار نخواهد
شد.

سوی لندن
(از پارلمن استریت) خیابان قبحی
لندن باید جور کینه تا مقابل تالار -
مرکزی (وست مینستر) که جنب کلیسای
کین و تاریخی وست مینستر است برسیده
بالای سردر ب پایرچم ۵۱ دولت متفق
ترین و پس از ظهر ۹۸ به بجایگاه مخصوص
تاشاچیان خواهد رسید. سخن تالار را
میزهای بلوط تزیین و برای ۲۰۰ نفر
نایبند جا تمین گردیده است

پل هانری اسپاک که بر رقیب خود
«مبولی» توفیق یافت در جایگاه مخصوص
(رئیس سازمان ملل متفق) نشست و در بالای
سر اونشان ویژه سازمان (که کره زمین
را با برقدیم و بر جدید مجسم و دور تا
دور شاخه باطنی از طلا دارد) نصب
گردیده است.

این مسیو اسپاک که اکنون رئیس
سازمان است میگوید در ابتدا و کبیل عدلیه
و از یک خانواده متوسط اما معروف بلژیکی
(چونسوز) بوده و در دهه سیاسی او از سال
۱۹۳۲ بعد شروع و اکنون رهبر حزب
سوسیالیست و وزیر امور خارجه بلژیک
و رئیس سازمان ملل متفق است

(دبشتری مانوئی لسنی) رئیس هیئت
او کراین که بریاست کبیسون امنیت بر
گزیده شد فرد فعال و یکی از مجاهدین
و قادار حزب بلشویک روسیه است.
انتخابات او جابه که صورت
میگیرد و اینکه سعی میشود اختلافات
از بین برود و روح مسالمت و توافق بر
کلبه امور حکم قسرها باشد این تصور
را که مسکنت این سازمان قابل اعتماد و
اطمینان باشد قوی میکند. و این سؤال که
آیا موضوع ایران و ترکیه مورد مذاکره
قرار خواهد گرفت یا نه جای کمی تردید
است.

روزنامه های انگلیس بطور کلی متعده (آیرن هاورد)
فرمانده چنگ باید منشی کل شده و ما نیز مانند روزنامه (ریپول)
انگلیسی متعدهیم که اشتر خصوصیت های سیاسی کنار گذاشته شود
و به سابقه های ذهنی غلط خط بطلان کشیده شود، مسکنت از این
سازمان برخلاف (انجمن ژنو) نتیجه مثبت گرفت.

این السودا میر حجاز در مصر است.
این السودا میر حجاز که با اغلب معاضد حرب جزا میر فاروق
نظر مساعد و خوشی ندارد پس از مسافرت چندی پیش ملک فاروق
به کشور خود دعوت متقابل اورا قبول و اکنون در کاخ زعفران مهمان
فریزان مصر است.

پیشواز بیسافه از طرف ۴۰۰ دانشجوی دانشگاه مصر از
این السودت و ضیافت بینظیری که در کاخ عابدين از طرف ملک
فاروق باقتدار امیر حجاز داده شده.

قدم بزرگی را در راه اتحاد دو کشور بزرگ عربی که تا
اندازه از سیاست اختناق بریتانیا بیزارند باید محسوب نمود و
باید قبهید عقیده نوری سید باشاریس اتحادیه ساختگی اعراب در
این زمینه چیست. بهر صورت تا هفته دیگر که بیشتر در این باره
بعت خواهیم کرد این السودا در مصر خواهد بود و دو روز از آنرا
مفصلا در اسکندریه خواهد گذراند.

اسپانیا را از هر فرانسوی و خطر فلانز نجات دهید *
این صدایی است که هر روز از اغلب رادیو ها شنیده میشود
و بخصوص پرواز مجدد دون ژوان نوه آلفونس سیزدهم و تنها مدعی
تخت و تاج اسپانیا این زمره را شنیده تر کرده است.

محافل طرفدار فلانز و حکومت اسپانیا در این او انجمن
حس کرده اند که فرانکو بهر صورتیکه در آید، حکومت دمکراسی
تشکیل داده با ماسک تعدیل بر چهره خود و حکومت خود برند قابل
عوام نیست و نخواهد بود و فرانسوی شوروی به این ارزانی وقتی ها
دست بردار از سر این پیشوای مادریستی هستند.

بهین مناسبت اینروز ها فتنه های جدیدونک مضرب های
سیاسی در رادیو ها نواخته میشود و محافل مزدور و بازیگران تلویزیون
ساده لوح نظیر دون ژوان یا مانده (میک مور) و وزیر امور خارجه
جمهوری اول اسپانیا راه حساب خود میخواهند برابر فرانکو حکم
ارده و در مسخه اسپانیا ظاهر سازند.

آنها مسلم است این شبکه ملت اسپانیا اینقدر خوش باور و کج
ملیته نیست که فریب فتنه من فریب بازی معادل فاشیست آب را
بخورد و دون ژوان را که سالها در لیویورک و کنار رودخانه ناپیس
زادگی کرده و از معانی که همراه او در نارشی باسلطنت موعده و صد در
صد استبدادی است بیرون روزه تا فرانکو فرمت بدهد که حکومت جدید
خود را تاشی و خرد را بدین ترتیب تثبیت کند. بلکه مردم آزاد جهان هر دقیقه
منتظرند احزاب آزاد پخواهان رنج کشیده اسپانیایی از شر اطمساعده
فصل حداکثر استفاده را نوده و با ائتلاف قوی مشت مردمان
حکومت فلانزی فرانکو و اراده های مردمی که حامی هیتلر و
فرانکوها بودند، بگوید و اسپانیای آزاد و متحد تشکیل دهند.

نظر کلی به رویدادهای جهان در آخرین روزهای هفته

ملك آرتور فرمانده امریکایی در ژاپن دستور داده سکه
اشخاصی که در جنگ سهمیم بوده اند باید بطور کلی از کار برکنار
شوند. پارون شیداها را نخست وزیر ژاپون کابینه خود را ترمیم و
اکنون بشتری و بسیار است. انجمن ملی اعراب فلسطین تصمیم گرفته
است کبیسونی بصرا هرام دارد تا با این السود ملاقات و از او خواهش
کنند تا بشیبه شدگان فلسطین و زندانیهای سیاسی آزاد شوند برای
شوراء امنیت سازمان چین، شوروی، برزیل، او کراین و یکی دو دولت
دیگر انتخاب و این شور در حقیقت فوه مجریه سازمان خواهد بود.
سرکلارک که بعیت و پیشنسی مساون کبیسر امور خارجه شوروی
و اورل هریمان در صوفیا بودند به لندن رواشگشتن و مسکو حرکت
نمود اعضاء مجلس عوام انگلیس در هندوستان با پیشوایان سیاسی
و اقتصادی کنسکر. هندوستان مذاکرات مرتبی نوده اند و هنوز
مذاکرات ادامه دارد. و سلطنت آلبانی منحل و اسد زوغو بازن
و فرزندش که اکنون در لندن است معرول و مجلس موسسان آلبانی
حکومت جمهوری را اعلام نمود.

تلگراف از شاه آباد خرب

ساعت مقدس مجلس شورای ملی و نوشت
جناب اشرف نخست وزیر و نوشت وزارت
کشور و نوشت وزارت چلیبک و نوشت
وزارت اطلاعات و نوشت کوهستان .

یکشت ایل سرباز کلهر که تاکنون
تاریخ باستان کشور ایران غیر از شاه دوستی
و میهن پرستی شان زشتی در صنعت و اوراق
خود نداشته و دادا تحت اراده سینه دولت
جان خود را تار و آزمایش و ز پروزیلیات
ورشادت را داده اند توسط غلامان جان
نثار که سرپرستان و کدخدایان و ریش
سفیدان آن هستیم آن ترفیع را ندیدیم
باز بان رحمتی و سربازی حرمی میخواستند که
از تاریخ پیش آید - شهر پور به یاد دگیا
تحت و ناز مستدیان داخلی و مامورین دولتی
بخریگت آن بوده روی این اصل داد
خواست های متوالی بخوا کپای شاهانه مجلس
مقدس دارالتوراهیت محترم دولت عرض
داشت و تا موقع انتخاب آقای خسرو
قبادیان از توجهات دولت محترم که انتخاب
نامبرده بفرمانداری شهرستان شاه آباد
خراب که وسیله آسایش و داروی درد
این ایل و موجب تشکرات فوق نهایه از
توجهات دولت گردیده بطوریکه کپاو
شفاها تشکرات خود را به دولت ابراز
و در این مدت با کمال رفاقت به های بقای
ذات مقدس ما و کلاه آن دولت روز افزون
استفاد داشته ایم .

اینک از طرف آقای صالح وزیر کشور
فرماندهار نامبرده را احضار و مقرر فرموده
اند فرمانداری را تحویل بدهند - معلوم
میشود مقامشان خلغ و فرمانده جدید
برای خانه بنده حساب این ایل در نظر
گرفته اند - البته صلاح سلطنت خویش
خسروان دانند لیکن تغییر هر نوگر دولت
پایستی روی اصل عدم قیافت و یاداد بیداد
زبردستان از ظلم و جور آن مامور باغیاتی
سیاست دولت و کشور باشد که بعد از
تسالی آقای خسرو قبادیان از اینجمله
هوارش قوباسموظ ، قبادی غبر از نظم
که بهترین لباس آن خلغ سلاح ایل کلهر
و تحویل به نیب ۱۲ کرمانشاه است و حال
آنکه مجاز سلبه عشار و ایلات کورد
ایران دارای اسلحه و مسلح بر خلاف امر
و اجازه دولت تهیه و تدارک مینمایند مگر
ایل کلهر در این عصر آزاد و مشغ
پایستی چنگال ظلم و فدائی مقصد بعضی
مامورین نا لایق رشوه خوار گردد بایران
رهنی و سربازی و اطاعت و انقیاد مستعدی
هستند بآمریجات آقای خسرو قبادیان
و ایل کلهر را معلوم و سپس در صورت
استعفا انضارشان به طهران و خلغ
فرمانند .

در پایان باقوای ملی و آزادی خواهی
و شاه پرستی و میهن دوستی از خاک کپای
شخص شعبی شهر یار محبوب و مجلس مقدس

تلگراف فرماندار شاه آباد خرب

جناب آقای وزیر کشور و نوشت جناب آقای نخست وزیر
رو نوشت مجلس مقدس شورای ملی و نوشت و نوشت
جهزیده شریفه کوهستان تلگراف رمز آن جناب می بر احضار این
جناب بر مرکز واصل و در امتثال امر به حضرت اشرف قور آستپه
وسیله پرداخته آماده حرکت شدم ولی هنگامیکه ماشین از کلاوا کرمانشاه
متوجه تهران شده رؤسای ایلات خرب جاری انومبیل مرا گرفته با
تهدید پناه آباد بر گشتند . آقایان روسای ایلات و طوایف
صریحا اظهار میدارند که هر آینه قومی از شاه آباد بیرون گندام
مشول هر گوا . انلاب و وطنیانی هستم که در این ناحیه بوقوع بیوند
و از آنجایی که بر خلاف روح میهن پرستی و سپرد اجادهای خودی
دانستم که بدست خود نمشی از خاک میهن را بدست آشوب و شورش
بسیارم و در این موقع که وجودم در این ناحیه باعث تسکین درون
گداخته یک مشت از جان گذشته است از ایل کنگ دروغ دارم به
هین حقه ناچار با خود باز گشت و کار را دنبال کردم خوب بود
حضرت اشرف مستحضر باشند که آرامش و سکون مستفرد در این ناحیه
شاهور و آماده قیام نه برای آن است که از جناب دارای عنوان
فرمانداری بوده باید طبعه و با بیان حمایت میثوم بلکه برای موقعیت
و احترام شخصی و خانوادگی این جناب در میان ایلات است که
همگی حاضر شده اند جوانان را در راه همکاری کنند و گرنه نوزان فرمانداری
هیچ تاثیری در اینجناب نداشته و توانائی و قدرتی هم بیجا نشین من
نخواهد داد من چه در این پست باقی وجه اباشم حکم و طبعه مقدس
وطن پرستی و مدافع رویه نیاکالی خود که قرن ها بساشار خون
جوانان خویش استندال مسالکت را حفظ کرده اند باز هم باستغراق
نظم کنگ خواهم کرد ولی بدون نیالنه است اگر بگویم حرکت
اینجناب از شاه آباد با بروز شورش در تمام این مملعت و زبان توام
خواهد بود زیرا اگر روزی ناچار شوم که بگی اردو راه اطاعت
از دستورات بی مغالنه مرکز و با اطاعت و همکاری با این ایلات
را بر گزینم بالعراعه میگویم که ناچار شوم دوم را اینجناب انتخاب
خواهم کرد .

اینک با مرکز است که آپا مراد در این ناحیه با نیرو آرایش
آنرا حفظ دارند یا اینکه کسی دیگر را برین سمت انتخاب و آتش
کنگ و راع را در غرب دامن زنده دیگر بنه بنظر دولت است
که کدام یک از حقوق را ملاح بداند . منتظر جواب قوری

۳۳۱۳ فرماندار شاه آباد - قبادیان

اعظم قناسی کلهر طایفه شاه آباد اسمیل هسگری کدخدای گل
چوب رضا حیدری سلیمان خلاص ویش سفید کله چوب قلی خان کورد
نژاد ویش سفید سیاه سیاه جیبر قلی ویش سفید سیاه سیاه شیخ - ویش
سفید سیاه سیاه علی محمدی ویش سفید سیاه سیاه خان بابا سیاه بان
ویش سفید سیاه سیاه حسن بنک ویش سفید سیاه سیاه جان میر ویش
سفید سیاه سیاه رشید وروزی ویش سفید سیاه سیاه اکبر باباخانی ویش
سفید سیاه سیاه موسی شیاهی ویش سفید سیاه سیاه کدخدای طایفه
صالح صالح کدخدای طایفه موسی اقا مرادی کدخدای طایفه بود که
امیر قلام کدخدای موک سرپرست طایفه کدهرو گراوند محمد آقا
احمدی کدخدای باسکله جیبی میرزا علی کدخدای شهورک شهبازی
کدخدای طایفه سلیمان خان بابا می مهران سرپرست طایفه جان
گنرهاد برنوی کدخدای طایفه جاسک محمد پرتوی کدخدای طایفه
پیر که خان بابا کبانی کدخدای طایفه دار که قناسی حق نظری ویش
سفید طایفه داز که محمد نوروزی کدخدای طایفه قلعه ووزر خا سر
پرست طوایف قاسم رشیدی کدخدای طوایف منشی مواد که کدخدای
طایفه موسی کریم محمدی کدخدای طایفه علی آباد علی باباخانی
کدخدای طایفه برف آباد باباخانی بود کدخدای زوار - کرمه محمد
مظفری کدخدای حنا حسین ابدلی کدخدای طایفه کریمجای الماس جیب
الاسی کدخدای طایفه کرگانی صفر اسمیل رحیمی احمد الاسی
کدخدای کرگانه ویش سفید طایفه کرگانه شهبازی کدخدای طایفه
سکان جاضلی شهبازی ولی آقا الاسی کدخدای طایفه بامره کرگانه
کدخدای طایفه سکان غلام عزیزی کدخدای گیلان غرب محمد کدخدای
گیلان غرب کدخدای طایفه کران محمد کریمی کدخدای کله شک
گیلان غرب قناسی محمدی کدخدای طایفه بر که محمد پیک رضایی
کدخدای طایفه کرم مهر علی کرمی

علم آفای آیت الله مردهخ کردستانی

گرد و گردستان

-۴۱-
(سنه اردلان)

حکومت خسرو خان اردلان نوبت دوم:

پس از اینکه علی خان بابان معزول میشود در تاریخ ۱۱۷۹ هجری خسرو خان اردلان دوباره بوجوب فرمان کریمخان وکیل والی کردستان میشود. در سنه ۱۱۸۰ وارد مرقه کمرانی میگردد و شروع بشهر و آبادی شهر وادارالایاله مینماید درمحل اداره تشولی کنونی که سابقه دارالایاله بوده تالاری رو بشرق ساخته در نهایت شکوه و عظمت و در جلو آن محوش از دره دارای چندین مجسمه سنگی که از گدای تمام مجسمه های آن آب چستن و فوران کرده است و تالار مذکور بفسرویه اشتهار داشت.

تا سنه ۱۳۳۸ یعنی حکومت علی محمد خان شریف الدوله باقی بود چون مشرف برانهدام شده بود شریف الدوله در ضمن سایر تغییرات دارالحکومه آنجا را هم بشکل کنونی در آورده که زیر آن ابار و فوقانی دارای چند اطاق وسه ست آن (شرق - شمال - مغرب) غلام گردش است.

حمام و مسجد دارالایاله و باغ موسوم بجهارباغ که بدست مهندس منصفی ساخته بود و حالا محله چهارباغ در جای آن بنا شده از یادگارهای او بوده است و در سنه ۱۱۸۴ از ایل قتلان تسخیر کاملی نمود و در تاریخ ۱۱۹۱ وزیر بغداد باشتام خراسی بصره که سابق اردوی کریمخان آنجا را لنگه کوب و پایمال کرده است حسالامر دولت عثمانی بانسگری ایوبه از راه اذربایجان و عیداد پاشای والی موصل و کرکوک با جمعیت خود از قلمه چوالان بجانب سرحد ایران هجوم آورد.

محمد پاشای حاکم بابان هم که از طرف کریمخان در شهر زور حکومت داشته یاردوی وزیر بغداد شناخته منهد تسخیر کردستان میشود.

وزیر ازموارده هزار جمعیتی سکه همراه داشته قسمتی را که بالغ بر هشت هزار سوار بوده ابواب جمع محمد پاشای لایق و دو سربازان روانه میشود.

این خبر که بخسرو خان میرسد فوراً مراتب را بدربار کریمخان قلمی داشته و خود با هزار سوار اردلان برای جلوگیری حرکت میکند و در بین راه هم قریب هفده سوار از مرغه و گروس باو ملحق میشوند دو کسار دوباره زور در مرزبان تلافی فریقین بسل آمده اول جمعیت مرغه و گروس شکست خورده فرار میکنند

سپس جمعیت اردلان هم با دادن سیمصد نفر تلفات و ۱۷۰ نفر اسیر شکست خورده رو بته دژ فرار میکنند

از جمله کشتگان لشکر اردلان میرزا علی و میرزا مهدی پسران میرزا مهدی الله وزیر و نصراف بیگ پسر یوسف بیگ و محمد رضا بیگ اردلان و عیداد بیگ منشی و غیره هم بوده اند.

و از جمله امرا هم میرزا احمد پسر ارشد میرزا عیداد وزیر باجمعی از معارف کردستان بوده محمد پاشا از سطوت کریم خان یارای پیش آمدن نه داشته از ترس وزیر هم فرات بی نشستن نکرده است در مرزبان بحال وقت میباشد. از اینطرف هم خسرو خان شرح ماجرای را بدربار کریمخان مبروش میدارد.

کریمخان آتش نفسی شعله ور شده صادق خان رادرش را با ترحمی چند بطرف بصره و نظر علیخان زند را باجمعی از راه کردستان بزم تسخیر و تصرف سرحدات دولت عثمانی مامور مینماید.

صادق خان در مختصر زمانی بصره را تسخیر و نظر علیخان هم بپداد و تا سنه فرسعی دارالسلام تصرف و تازاج کلب علی خان و علی مراد خان نیز وارد سنه دوازدهم یا اینکه محمد پاشا از حرکت خودبشیمان و از در امان در آمده بود مینماید مقدم نامه سپاه زندیه با تفاق خسرو خان و لشکر اردلان در رجب ۱۱۹۱ بجانب مرزبان حرکت کرده محمد پاشا بدون جنگ فرار میکند.

اردوی زند و اردلان بسدون مانع مرکب تاخته تا وارد قزلبه میشوند که در پنج فرسعی قلمه چوالان واقع است. لطف علی خان پسر سیمان و بردی خان اردلان (عوی خسرو خان) باجمعی از سواران اردلان مامور تعاقب محمد پاشا و کریمخان بابان میشوند تا محال تره طاق تاخته آن نواحی را غارت و تازاج مینمایند و اینبه و مهارت و ای بکلی غراب مینازند. در این هنگام کرگلی بیگ جلودار شاهي فرمان هاپولی میرسد که از طرف دولت عثمانی ایچاق بدربار ایران اعرام شده که قشایای بین دولتین بملح و صفا بر گزار شود و بلا برسدن این فرمان دست از متنازل کشیده و در سرحد ایران آرمیده قائل بصبر و سکون باشد تا جواب مجدد بشما میرسد پس از قرائت فرمان نور علی مراد خان پدارالایاله کرمانشاه و خسرو خان و کلب علی خان بقریه رفته کردستان عقب نشسته در ماهی توقف میکنند و دوباره جاپار

اثر طبع طاهر بیگ جاف

دنیا که همو لحظه به معشوق کسیکه
بنواره که چند قبحه چه گونه نره سیکه
تفکره وه کوکلی نهان گیری زمانه
آبناه جهان یک به یکی سک مگه سیکه
عالم همو وه طیر طبع دانه امل داو
صیاد اجل ساحتی دنیا قفسیکه
لهم حجره ی شش گوشه که ری مبری عامه
یارب چیه هر کس به هوا و هوسیکه
صد قافله را بورده تو غافل ای دل
گو وی بگره له هر لایکه ناله جرسیکه
شادی و غم و اندوه چیه رنج والمه
اقبل و زوالین به خواهر نفسیکه
«طاهر» عبه آزرده زمان عادتی جوهره

دنيا که همو روزی زنی بوالهوسیکه
این نخل را آفای به اهلین آزمون از مستح ارسال داشته اند

میرسد که امر دولتین بملح انجامید سر بجا بسرحداث روم تاخه تا هر جا که میتوانید غارت نموده و یا خاک بکسان کید.

حسب الامر دوباره کلب علی خان و علی مراد خان و خسرو خان عطف متناوب بشهر زور نموده خسرو خان پیش تاز و مقده العیش میشود. ذوالفقار خان غسه هم مقارن حرکت ایشان باجمیت خود میرسد و همه بقله چوالان حرکت میکنند. محمد پاشا که در قلمه چوالان بوده دوباره فرار میکند. از طرف دولت عثمانی هم حسن پاشای وزیر بغداد (کلیا) بانسکر پیشار بامداد محمد پاشا و حفظ سرحد حرکت میکنند.

در بین راه محمد پاشا رسیده او را عودت میدهند هنگام تلافی فریقین که صف آرا می و سنکر بنشی و مفعلات جنگ شروع میشود احمد پاشای برادر محمد پاشا از اردوی عثمانی رو گردان شده یاردوی ایران ملحق میشود.

جنگ بین سپاه طرفین شروع میشود سپاه ایران طلبه تفت بزم و زم بیدان تاخته بهرسو که حمله میرسد مینبند خبری نیست و از اردوی روم دباری باقی نمانده است معلوم میشود که قوه فارمیت در خود نهیده شبانه فرار کرده اند.

سپاه زند و قزلباش و اردلان با فراغت خاطر شروع میکنند بتاخت و تاز و تهب و غارت و خراب کردن اماکن و آتش زدن آبادی ها و اسیر کردن نوان و دختران و انواع فجایع شوم آور حوصله فرسا. خسرو خان پس از اینکه مینبند کار از رزم گذشته و بصمت و ناموس رسیده است دامن شیرت بکسر زده زنان را از لشکر زند و قزلباش پس گرفته بکسانشان تسلیم میکنند.

بعضی خانواده هاراهم که دارای بضاعتی بوده اند بشهرته دژ میگوچاند، احمد پاشا را در شهر زور بحکومت منصوب و رضا قلی خان را که برادر خود بود بایکصد سوار برای تقویت او در آنجا میکند.

پس از این قضایا محمد پاشا بدربار کریمخان تاخته اظهار بستگی بکریمخان میکنند با دادن پیشکشی و تقه بی فرمان حکومت بابان و شهر زور را با اسم خود صادر و احمد پاشا معزول میشود وزیر بغداد از این ماجری مکرر شده احمد پاشا را تملیقه پاشای شهر زور و بابان داده او را با مختصر استعدادی روانه مینماید

بنام آقای سلیمان یونس
لیسانس حقوق

کرمانشاه متروک

- ۱۴ -

حاجی زادگان کرمانشاه

میرزا رضای کلهر در حسن خط نظیر نداشته است و حتی در این فن در شمار مینسکرین و منعمین و معاجین محسوب میشود و بهترین کتابهای فارسی بایستترین خط او نوشته شده است که از آن جمله «سفرنامه‌های ناصرالدین شاه» و «روزنامه شرف» و کتاب «فتیحه الموعود» مرحوم میرزا ابراهیم بدایع انکار است که چشم بیننده را غیره خود مینماید و بی اختیار باین شعر لب می - کشاید :

دل میرد این خط نگارین
گویی خط روی دلستان است

حسینقلی خان سلطانی گل سرسید این رجال بوده است که شاعری ماهر و سخن چینی ماهر بوده است و در میدان فصاحت و بلاغت بقدری گوی سبقت را برده است که باید او را در شمار استادان سخن نام برد و در ردیف ابوری.عنصری.منوچهری.خاقانی و قاتمی شرد.

وی از اوان طبولیت در علوم عربیه و ادبیه و فهم و ضبط لغات و اطلاع از تواریخ و قصص ملل و دول و کتب امثال و اخبار و دواوین و معانی عرب و شمرای عجم و علم باحوال آنان و تطبیح در اشعار عالی و حسن خط بنام شامخ و شخصیتی شایان تقدیر نگارنده و مناجوز از چهل هزار شعر عربی و صد و پنجاه هزار شعر فارسی انشاء و انشاد و علاوه بر آن ها کتب منظومه و منظومه بسیاری نگارین بوده است .

قوه حافظه وی بقدری قوی بوده است که قصیده فرای عربی با فارسی و یا احادیث اخبار مطوله را که یک مرتبه املاء نموده است بتکرار آن احتیاج نداشته و همه آنرا بدون کم و کاست بحافظه میسرده است .

مرحوم صادق الدوله بوسیله مرحوم مصطفی قلیخان والد ماجد حسینقلی خان از او تقاضا نمود که روزها بدارالحکومه رفته و علاوه بر شغل و منصب عالی دیوانی ست معاونت شاهزاده را بر داشته باشد . وی بواسطه وارستگی و آزاد منشی و آزادی گسیه داشته هبیک از این ست ها را پذیرفته و چندی هم باصفهان و تهران و خراسان (خورآسان) سفر کرده و یا صدر اعظم وقت مرحوم میرزا آقاخان امین الدوله و سایر رجال دولت مراوده دوستانه داشته و مرحوم ناصرالدین شاه بوی بسیار علاقمند بوده است .

و از جمله دوستان آن مرحوم دانشمند ارجمند و ادیب اروپ فتح الله خان شیبانی بوده که از استادان فن شعر و شاعری است و دیگر مرحوم شاهزاده محسن میرزای میرآخورباشی وی در سال ۱۳۱۷ هجری دوسن ۶۷ سالگی وفات نمود . دیوان و کتب بسیاری اهم از نظم و نثر و قصاید و غزلیات مسطحات و ادبیات و حکایات و تواریخ و علم عروض و لغویه از آن مرحوم باقی مانده است و چون آن مرحوم بیلا هفت بوده و کتب مذکور به طبع نرسیده متفرق شده و هر قسمی بدست کسی افتاده است (۱) و فقط دیوان قصاید او بوسیله مرحوم نصیر دیوان و سالار لشکر و منتقد الدوله به طبع رسیده است . این اشعار از اوست .

مژگان توای جان جهان آفت جان است
نه که سکه نکاهی ز تو آشوب جهان است
چو سرو بود قد تو اندر چمن حسن
نه چین چون تو سکهجا سرو چمن است
در خاصیت از ما به کتان میرسد آفت
نه که سکه زاندام تو مزبب سکنان است
گویند دل منجه خودی سببی تنک
نه بدلتش تنگی از آن تنک دهان است

آقای محسن وراثت

آقای محسن فرجی در خواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که هیداهت بیک فرجی (پدرش) مقیم دائمی سندج فوت نموده وراثت او منحصر به سه پسر (محمود - عطاالله - محمد صالح) و شش دختر (حیات - ملت - ملیحه - فاطمه - سعادت - ابرار) و سه زوجه (کلاه زر - آمنه - رایحه) بوده بدادگاه سندج فرستاده و وراثت او بیک پسر (محمود) و چهار دختر (سعادت - ملیحه - ایران - فاطمه) و فاطمه فوت نموده وراثت او بیک برادر (محمود) و سه خواهر (سعادت - ملیحه - ایران) میباشد بستند گواهی گواهان محلی برای استفاده وراثت از کلیه ترکه مورثین صدور گواهی محسن وراثت خواستار شده . لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج مینماید اگر کسی واخواهی نماید از نشر اولین آگهی تا سه ماه پسین دادگاه مراجعه والا گواهی صادر و وصیت هم جزرسمی و سری تأثیری ندارد

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۳-۱

آقای محسن وراثت

آقای محمد هاشم غریب نژاد درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که حاجی محمد صانق فرجی نژاد (پدرش) مقیم دائمی سندج فوت نموده وراثت او منحصر به دو پسر (محمد هاشم - محمد کاسب) و یک دختر (حمیده) میباشد . مستند گواهی گواهان محلی و شناسنامه برای استفاده از کلیه ترکه متوفی صدور گواهی محسن وراثت خواستار شده . لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج میشود هر کس دادخواهی دارد از نشر اولین آگهی تا سه ماه پسین دادگاه مراجعه نماید و الا گواهی صادر و وصیت هم جزرسمی و سری تأثیر ندارد .

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۳-۱

آقای محسن وراثت

آقای محمد گریبوز در خواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که حبیب الله حیرانی (برادرش) مقیم دائمی سندج فوت نموده وراثت او منحصر بشش ایهامی باشد بستند گواهان محلی و رونوشت شناسنامه برای استفاده از کلیه ترکه متوفی صدور گواهی محسن وراثت خواستار شده . لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج مینماید تا اگر کسی واخواهی دارد از نشر اولین آگهی تا سه ماه پسین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر و وصیت هم جزرسمی و سری تأثیر ندارد .

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۳-۱

آقای محسن وراثت

آقای محمد چاوی درخواستی بدادگاه بخش کردستان تقدیم که آقای علی چلوی (برادرش) مقیم دائمی سندج فوت نموده وراثت او منحصر بشش ایهامی (برادر) و یک دختر (زرین تاج) میباشد بستند گواهی گواهان محلی و شناسنامه برای استفاده از کلیه ترکه متوفی صدور گواهی محسن وراثت خواستار شده . لذا مراتب سه ماه متوالی هر ماه یکبار در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج میشود . هر کس واخواهی دارد پس از نشر اولین آگهی تا سه ماه پسین دادگاه مراجعه و الا گواهی صادر و وصیت هم جزرسمی و سری تأثیر ندارد

رئیس دادگاه بخش کردستان - خیامی

۳-۱

اختصاصی کرد.

دیگران بوی تذکر داده که چرا گوش بخرافه از بابت لیدی جواب داده بود که از باب من حرف نبرته بلکه بنایه عادت هیشگی خود (قران) بخواند

() چون در بخرافه است که آثار مرحوم سلطانی اهم از دیوان و کتب و غزلیات و مسطحات و غیره جمع آوری و بتدریج به طبع برسد باین جهت از علاقمندان به آثار زرنگان کرمانشاه تقاضا دارد اگر در این زمینه اطلاعاتی دارند و یا در نرد آهاسکتوبت متفرقه مرحوم سلطانی یافت میشود برای ما بنشانی

«طهران بانک کشاورزی» بر سرشته که موجب امتنان و تشکر نگارنده خواهد شد.

زلف تو چو دیوی است که بگرفته قرشته
نه که چو غرابی است که در باغ جنان است
در عشق رعنت گشته هبا دین و دل من
نه که هبا دین و دل پیرو جوان است
چون ناف هوا زلف تو مشکین به بهاران
نه که زلف تو هوا مشک فشان است
باشد سرطان منزل منتاب شب آرا
نه که به منتاب تو جای سرطال است

طرز تکلم حاجی زادگان
طرز تکلم حاجی زادگان از لحاظ اینکه ملقب به لغات ادبیه و معطر زبهارات عربیه و مرصع به الفاظ مسجع است میان صوم کرمانشاهیان ضرب المثالات . چنانکه در باره یکی از همین حاجی زادگان گفته اند که روزی بانو کردغانی خود سخن میگفت و او بحرف های آریایش

نامه ها و تلگرافات رسیده

از شاه آباد

مجلس شورای ملی کیه جناب آقای نخست وزیر کیه جناب وزیر کشور و نوشت جناب وزیر جنگ کیه چه رسیده اطلاعات رونوشت هریده کوهستان غلامان جان فداه که هر یک بنام بختداری و سر برستی ابلات و طوایف ابواب جمعی خود بویست ملوکا و منتظر واعساد زده مداران امور و شامس جل در ریم از طریق خدمتگاری میهن پرستی این عزیزه سوده و راندم و و راجع باحضار آذنی خسرو قبادیان فرما و شاه آباد پیرش میرسانیم که معتمدی مشار الیه نسبت بنامه محبوبیت ابراز و علاوه بر وسای کلهر مساهی لازم رادر ترفیه آسایش کانه غرب مسول داشته بطوری که انتظام کامل در حوزه فرمانداری حکم فرما و موجب امتنان عمومی است این احضار شاره که از نقطه نظر خلق مقام بوده بوسله این عزیزه چا گرانه که از لحاظ میهن دوستی است معروض میداریم که تقدیر ایشان خلاف نظرونظم و دست تا این کشور مسکن است ایجاد اعتقاد بزرگی در این منصفه نناید و اسباب ناسعد عوم کرده

سید شمس الدین حیدری سید علی حیدری قنبر الساطه اسپری رئیس طایفه قلعه های تربیت احمد و موسر سرگمی دهان در بند حیدری عملی شده اطوایف گوران غلامی پاسی بخشار ولایتی پناوب جهانگیر خان اپری قنغانی احد سلطان رئیس طایفه نینئی اله مراد اپری رضای سنبل هزیریت وله یکی صدیکگری طایفه قادری یکی اکبر خان میرگندهای قلغانی رستم سراین گندهای قلغانی امیر گندهای جاف شاه مراد نستی گندهای قلغانی

از کردستان

آقای علی جوانردی از کردستان تلگرافا شکایت مینمایند: ا لرحه تاکنون چندین بار تظلمات خود را بپیشگاه اعلی حضرت هایونی و مقامات دولتی نموده ولی چون نتیجه ای بدست نیامده مجددا با اظهار تظلم خود استدعای عطف توجه مینمایم. باوجود اینکه هیچگاه از اطاعت دولت خارج نودم. در سال ۱۳۲۳ فشار مامورین دولت ماچارم نمود که متواری شوم و با وجود اینکه چهارده هزار تومان مانم را غارت کردند بهش اشعار فرمانده لشکر بامیدالصلاف دولت پسنندج آمدم مدتی در آنجا تحت نظر بوده بطوریکه چند روز که اجازه مرخصی برای سرکشی بغاوانده سرپرست خود خواستم موافقت نکردند مدتی املاکم توقیف رعایم بریشان و خانواده ام می سرپرست مانده.

باوجود اینکه بارها معروض داشته ام که برای هرگونه دعاری طبق مقررات مملکتی حاضریم مهربا تا حال توجیهی نشده علیهذا بنام رحمت پروردی استدعا مینمایم دستور رسیدگی و رفع ظلم از فدوی را صادر فرمایند.

کوهستان - توجه اولیای امور و محض ما فرمانده لشکر کردستان و شکایت تلگرافی آقای جوانردی جلب و اشعار داریم در رسیدگی و احقاق حق جهت فرمایند.

از سنقر

آقای عبدالله شریف زاده راجع به وضعیت شهرداری و چینه فقره اخذی که شده اطلاعاتی برای مافراستاده انه بدیهی است اگر اوضاع آججا بزودی بهبود حاصل نشاید ناچار مجموع اطلاعات واصله از اشخاص مختلف رادر معروض مضامین عمومی

برای اطلاع اداره کل دخایات

از سنقر

اهالی منتهیده بانه بکلی از هستی ساقط بگانه امیدواری فقط مقداری توتون بوده بامید اینکه بانه کیسیون خرید تعویب دهیم جمع آوری پس از مدتی سرگردانی در سرمای زمستان سختی راه کیسیون دستور آقای نیک روی ناظر خرید منعل تلگرافی دستور داده شده توتون را دخایات سفر تعویب بهای کرایه در بافت داریده با پرداخت کیلومی سه رزال کرایه تحصیل مشقت زیاد در جاده های کوهستانی مقداری توتون تعویب دادیم دخایات سفر ازدادنوجه خودداری استدعای توجه فوری رسانیدن وجه بیاتکلی سفر یا اجازه صدور حواله تهران باسندج داریم.

از طرفی اهالی سانه - بخنباری - سلطانی - کریسی - فاروقی دباهی - رشوی - ظروقی - میدری.

اولیای دولت قرار خواهیم داد.

از کرد

آقای جعفر مرادی شرحی بیان داشته اند و تذکراتی داده اند از تذکرات ایشان متشکریم و انتظار داریم برای تامین نظر ایشان و سایر تعاضا کنندگان کرد که بکنفر را خودشان هر چه زود تر معرفی نمایند چون آدرس خود را مرثوم نداشته بودند نتوانستیم مستقیما جواب بنویسیم.

از سنقر

آقای موسی قبادی بیگوند شکایت مینمایند که ستوان یک معتمدی ستوان ۱ هجران و استوار شرفی برای تعقیب اموال مسروقه به کلبانی آمده و بدون جهت بنزول ایشان که در کنگره واقع است آمده علاوه بر خسارت مدت توقف مبلغ یازده هزار تومان پول نقد بکشد و هفتاد دانه لبره و مقداری انابیه را غارت نموده انوشی اظهار میدارد که از پولهای غارت شده پندی بند آقای ستوان هجران محرومی مقلبی در سنقر نموده.

آقای موسی قبادی تقاضای رسیدگی و احقاق حق و استرداد اموال غارت شده خود را دارند.

از بیجار

آقای سید احمد حسینی پنجه مینویسد اشعار نامه کوهستان مایه خوشوقتی و خوشودی ما کین این لوحی میباشد امیدواریم در ترقی و تعالی قلم های سریع برداشته و احترامات فائنه ما را بپذیرد.

در اولین برخورد با ماده گاو غصومت آغاز کردید گاو ان بجان هم افتادند بر سر این ماده گاو خوش آب و رنگ آن فقره سکه سه گانه هم کوفتند و شاخ بکدیگر آویختند که هر کدام غسته و فرسوده بگرفته افتادند رو به آهسته رفت و شیر را با خود آورد و یکی از گاو ان را که از سایرین کوفته تر بود بوی نشان داد شیر هزار آفرین بر تپید و حبله رو به کرد گاو را از هم بدید و آن را طمه خود و جانوران نمود رو به هم از آن بی بهره نماند باز فردا صبح سه گانه دیگر از طایع تا فریب آفتاب هر سه را بر بکدیگر تک نمودند و شامگاهان با از با در آورده و غسته و زمین گیر شده شیر برای پاردموم فرستادیم غمزد آن را که ناتوان تر و زبون تر گشته بود طمه شبانه خود نمود و رو به آن دو گسار دیگر باز برد. داغند و آفرین ندرت و توانائی خود را از دست داده بهین ترتیب هر چهار گاو حتی گاه ماده قربانی مکرر تر و بر رو به و نطق و دویت خود گردیدند.

آری فرزندان عزیزم جان کلام اینجاست که باید آرا سر مشق زندگی خود قرار دهید تا آنچه که گاو ان حامسی و پشتیبان بکدیگر بودند و برای یک منظور و هدفی کار میکردند کسی نخواست بر آنها فایق آید ولی همینکه بادست مکار و حبله سر رو به نخم شقاق در بین شان پاشیده شد دیدند که چگونه از پای در آمدند و با فوجترین وضعی بزندگی هم خانه دادند آری از این رو به صفتان بسیارند

جدا و کمال بیثالیه ولی صد آه و هزار افسوس اا کاران پنجم نگاهش کردند و الا آن آه و افسوس وی رسیده جواب داد قربانان کردم چیزی نیست آه افسوس من برای شما و بغا طر شاست آه من همین است و افسوس جز این نیست. لازمه زندگی شما وجود همسری زیبا و دلریا است که هنگام ضرورت گردد کمورت از چهره تان زداید و هنگام استراحت شاد کامی شمارا تامین کند.

گاو ان این فکر بکر را پسنیدند و بردوجه هوش و ذکاوت رو به آفرین گفتند آنگاه داری درد را از خود او خواستند رو به عرض کرد اگر روی مبارکتان هلافتند باشد چاره اینکار بسیار آسان است ا حال ببینید چگونه در انجام وظیفه ام کوشا هستم این بگفت و بیدرنگ کاران را ترک کرد در راه پیش رسید شیر گفت: هانسر زنگ نتیجه اقدامات بکجا رسیده رو به جواب داد منتظر باش همین امشب بجهه خواهیم شرفت ا

باز راهش را پیش گرفت تا نزدیک دهی رسید ماده کاری بسیار قندک در مرتعی بچرا مشغول بود خود را بدو نزدیک کرد رو به مکار پس از ادا تشارف نابهنجی مرموز گفت در این مرفرار چگونگی و تنها در میری! زندگی انفرادی چقدر غسته کننده است! بیاتنا ترا بر غزاری پس نرم هدایت کم آجا چرا کا. چهار کاو لیرو مند است سکه هیچ از جابه و جلال جز دلبری چون تو کم دارند آنها چهار دادارند سکه دوی دلبری چون تو هستند و الحق تو ای دلبر شوخ و غشک «شایسته صد چندی» خلاصه ماده کار ساده لوح را فریب داده و او را همراه خود آورد همینکه بنمعد رسید کاران چشم شان بر شمار ماده نو افتاد در من زمان مفار معبشان زائل گردید اتفاق تبدیل نطق گشت و دوستی جای خود را بدشتی بخشید

بشم دوشیزه پوران رهبر از کرمانشاه

در کردستان چه دیدم

۱۳۳۲

در زمستان ۱۳۳۲ پدم مامور کردستان شد و خانواده ما هازم آن دبار گشت. هوم فامیل و دوستان که برای بدونه ما آمده بودند با قیافه های غمناک ما را بدونه کرده و گوشزد مینمودند که در کردستان مواظب گفتار و کردار خود باشید زیرا ممکن است هیچیک از شما سر سالم بدو نبرید چه کردستانیان از اهل تسنن و دشمن خون خوار شیمان میباشند. من که ذاتاً دختری کجکاو و تحت تأثیر تلقینات اهام کودکی نیز قرار گرفته باین مسافرت شوشفت بودم زیرا میتوانستم از نزدیک شاهد رفتار اهالی و عقاید آنان باشم.

اکنون مختصری از مشاهدات خود را میگویم تا شما باینکه تحت تأثیر تلقینات عجیب و غریب قرار گرفته اید بحقیقت آن چه در میان اهل تسنن کردستان مسوول است واقف شوید و بدانید تمام آن چه را بآن ها گفته اند دروغی محض بوده و سیاستی بیش نیست.

مسلمان حقیقی آن ها هستند زیرا در هیچ خانه ای بود که من بروم و قرآن مجید را در جای پاک و منزه نینم. هیچ فرد اهل تسنن را ندیدم که بدون وضو دست بقرآن بزند. بزرگترین قسم مردم به قرآن است و در بجا آوردن نماز و سایر آداب دین بسیار مقیدند و لااقل دوثلت آن ها نماز گذار و قرآن مجید را از حفظ دارند. در بر آوردن مراسم مذهبی نظائر نیشابند و نماز و طاعت را وسیله هوام فریب قرار میدهند.

با وجود اینکه هر ساله عده زیادی به حج میروند اسم حاجی بر خود نیکدارند و گمانا برخلاف صاحبان هوام فریب شاط دیگر که خودشان را حاجی زشان را زن حاجی، پسرشان پسر حاجی، کوجهشان را کوجه حاجی و حتی دشمنان را حاجر آباد مینامند از تظاهر خودداری میکنند و مطالب همان حقیقت میباشد.

نام طر را با احترام میبرند و او را بسیار محترم تر میزنم شاورند چه بسا در حین عبور از کوجه میدیدم که متلاصق حالتی در حین برداشتن ملاسنگین میگفت یا حاجی.

با این مختصر که ذکر شد باین حقیقت میرسیم که برای جدایی و برای تولید فلق اخلاقی میان شیخان و شیعیان بیا کرده اند و بعضی آخوندهای مفت پرست از آنان بفتح سیاستهای خارجی استفاده مینمایند و گرنه ما همه مسلمان بوده و پیرو دین محمد هستیم و باید دست بدست یکدیگر داده این اختلافات را از میان برداریم و دود پیروی از حقیقت اسلام کوشش نماییم.

کوهستان - مقاله وارده فوق که از روی کمال بینظیری نگاشته شده چاپ گردید ولی ما اصولاً نمیتوانیم در موضوع مذهبی وارد شویم و از خوانندگان محترم نیز تمنا داریم که در دفع اختلاف هلاک کوشش فرمایند.

حایلی که بین ...

بقیه از صفحه ۱

و تا این روزه ادامه داشته باشد ما بین دولت و ملت حایل بزرگی وجود دارد که خود صیب تمام بدبختی هاست.

آزاد که دولت تصمیم بگیرد هر پیش آمد را با استحضار ملت برساند و از آن ها صیانه کند بخواد آزادی است که میتوان امید داشت اوضاع رو به بهبود خواهد رفت و الا اگر همین روزه برده پوشی و استار ادامه داشته باشد پاکال اطمینان میتوان گفت که مردم نسبت بهی حتی بآن کسی که سنوآت منادی امتحان وطن - پرست داده منظون شده و جز یک شخص وطن فروش و معجل و مکار طور دیگر او را قضاوت نمیتواند بنا بر این چنین شخصی با اشعاعی نمیتواند از پشتیبانی مردم برخوردار بوده و بدان اطمینان داشته باشند.

و تائید پشتیبانی حقیقی ملت و اعتماد و اینان آنان نباشد قدم اساسی برفع ملت نمیتوان برداشت.

جای اداره: خیابان پهلوی شماره تلفن: ۳۹۰۸۵

برای اطلاع وزارت دارایی

اداره اقتصادی کرمانشاه

قسمت اقتصادی آنجا تعویل شده و حتی علت عدم توزیع را هم از قسمت مربوطه در کرمانشاه توضیح خواسته حال یاد نظر گرفتن این سابقه باید گفت اداره بخش دروغ گفته که گمان نیبرود بنا ناچار باید گفت چون آقای مشیری در اداره ای هستند که آقای صالحی مست ریاست را برایشان دارند خواسته اند خوش آمدی به ایشان گفته باشند موافقی هم در دست است که این حدس را تأیید مینماید.

در قسمت دوم امثال اظهارات فوق صحت داشته باشد.

بهر حال چیزی که مسلم است این است که ساکنین دولت بخش های کرمانشاه از اداره اقتصاد و شعبه آقای صالحی رضایت ندارند و دوباره ایشان حتی صحبت هائی هم مینمایند.

برای نمونه تلگراف ذیل را بخوانید: در روز واصل عده دوچ مینمایم تا اولیای امور و خوانندگان محترم تاحدی بحقیقت اوضاع واقف گردند:

از دستقر

تاریخ اصل ۱۹/۱۰/۲۴

جناب آقای نخست وزیر، در نوشت وزارت دارایی، در نوشت مجلس شورای ملی در نوشت کوهستان.

گرچه مکرر به وزارت دارایی راجع به سببه شکر و چای و قماش که به قسمت اعظم کشاورزان کلیائی داده شده شکایت شده بهیچ وجه عطف توجهی نشده، چون معلوم است مدیر کل در تهران اخ ازوجه آقای صالحی رئیس خواربار کرمانشاه است شکایت حق بلا نتیجه مانده است. استدعا چنان است بازرس باوجدانی بطور محرمانه ارام فرمایند که با حضور بختدار محل رسیدگی شود تا معلوم گردد این دزد های پشت میزی میلیون ها تومان حقوق حقه زارمین بدبخت را به ثروت خود ضمیمه و اکثر کشاورزان را از هستی ساقط نموده اند.

رئیس خواربار سخریاتکاه اینکه از کرمانشاه سببه کلیائی لیامده از دادن سببه خودداری مینماید. در نبودن بازرس صحت یا کذب معلوم نیست.

علی اکبر فبادی

از وزارت دارائی انتظار داریم به شکایات مردم توجه نهائید

جناب آقای دکتر فنگه نماینده محترم کرمانشاه در مجلس شورای ملی در بیاب نداده سببه قدو شکر اهالی قهرشیرین و تعویل سببه ۱۲۵۰۰ ریال در زمان نیریزی مطالبی در روزنامه اطلاعات مودخ سوم دیماه شماره ۵۹۴۰ درج شده بود ظهار فرمودند. اینک از نظر و تعویل حاصل تقیه جریان را برای استحضار و روشن شدن اذعاز عمومی مخصوصاً در این موقع باریک برای درج در آن نامه گرامی با استفاده از مدارک موجوده ذلامی لنگاره. ۱- اداره اقتصادی کرمانشاه مدتی بود که شکر جهت توزیع موجود نداشت مگر از مرکز مطالعه می نمودند تا اینکه اخیراً مقدار نهمه تن شکر حواله گرفته که پس از وصول بلا درنگ سببه کلیه شعبات تاپه من جمله قهرشیرین راهم وسیله مامورین مربوطه ارسال و بین اهالی تقسیم گردیده است.

۲- موضوع سببه قند و شکر ۱۲۵۰۰ نفر به رضای نیریزی طبق تحقیقاتی که در این زمینه بعمل آمده و مدارک مربوطه گواهی میدهد آقای آشتیانی رئیس کل بازرسی غله (هنگام ماموریت کرمانشاه) برابر بند ۱۰ دستور شماره ۸۶۸۵-۲۳/۱۲۰ آقای دکتر میلیسیو (مسئله اساس توزیع کالاین عشایر و دعوات است) طی نامه شماره ۲۵۱۴-۲۴/۴/۲۱ نمایندگان استانداری ثبت اسناد و معتمدین محل رادعوت مینمایند که در این خصوص رسیدگی و اظهار نظر نمایند. نتیجتاً کمیسیون مزبور موافقت می کند که سببه ۱۱۴۰۰ نفر رایسته به رضای نیریزی را طبق صورت اسامی آنان که به گواهی و امضای بخشدار ذهاب رسیده باو تعویل نمایند و از همین قرار هم رفتار شده است ولی عمل مزبور در لحاظ آقای صالحی که در این تاریخ در فلسطین بسیار و تحت معالجه بوده صورت گرفته است و ایشان مطلقاً در این امر دخالتی نداشته اند.

جمال الدین مشیری کوهستان - در قسمت اول اظهارات آقای میر جمال الدین مشیری تردید داریم زیرا در نوبه دوم سهرماه تلگرافی از قهر شیرین دریافت داشتیم که از رسیدن شکر و قماش شکایت نموده بودند و از سفر هم همین شکایت بلند برد ما خود به اداره کل پیش مراجعه کردیم گفتند که حتی تا آخر مهر کلیه سببه کرمانشاه و توابع آن به